

# قطع رابطه بین ایران و آمریکا

## دلیل بر قطع امید دولت آمریکا از ایرانست



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۶  
شنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۱۵۱

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، بمناسبت قطع رابطه ایران و آمریکا، پیامی خطاب به ملت ایران فرستادند، که مهمترین نکات آن بشرح زیر است:  
ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین آمریکا

### بیانیه شورای انقلاب

دولت آمریکا آن آزمندی و تجاوز طلبی را که بر بافت طبیعی نظام سیاسی و اقتصادی اوست، به ظهور رساند و در برابر ملت که پس از روزگاران دراز تحمل بار سنگین تحمیلات و زورگوییها، اکنون می خواهد مستقل و آزاد دستگاز باشد، آشکارا صف آرایی کند. ما منتظر حمله شیطان بزرگ را در قدرت آمریکا و دست نشانده گانش بودیم اکنون آنروز فرا رسیده است. رئیس جمهور آمریکا شایسته

گذشته طی نطقی تهدید آمیز، بخشی از برنامه های حمله اقتصادی و سیاسی رژیم آمریکا به ایران را اعلام کرده و بخشی دیگر را به آینده موکول نموده است. بهانه دولت ایالات متحده برای تجاوزات آشکاری که نسبت به ملت ما در پیش گرفته است، مسئله گروگان گیری است. رئیس جمهور آمریکا کسی می کند مسائل امپریالیستی دولت خود را در زیر پوشش مسئله بقیه در صفحه ۶

و ایران را دریافت کردید. اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه بین یک ملت بیخاسته برای رهائی خود از چنگال چپاولگران بین المللی است. رابطه با یک چپاولگر عالم خوان همیشه بضرر ملت مظلوم و بیخاسته چپاولگر است. ما این قطع رابطه را بفال نیک می گیریم، چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید دولت آمریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلیعه پیروزی نهائی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه، یعنی خاتمه دادن به چپاولگریها کرده است، اگر جشن بگیرد، حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین بزودی انجام گیرد و ملت شریف اسلامی به این انگل های خائن آن کنند که ملت ما با محضر ضای خائن کرد.

ملت شریف عراق، شما اخلاق آنان هستید که انگلیس را از عراق رانید. پناخیزید و قبل از آنکه این رژیم فاسد همه چیز شطرا تباه کند، دست چپاولگر او را از کشور اسلامی خود قطع کنید... ای ارتش عراق اطاعت از این مخالف اسلام نکنید و به ملت به گرانید و دست آمریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است، قطع کنید.

## به پیروی از ره نمود امام و بیانیه شورای انقلاب

# همه با هم

## در جبهه نبرد سر نوشت ساز علیه امپریالیسم امریکا متحد شویم

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در صفحات بعد:  
سیفزدگان خرمشهر: ما را فراموش کرده اند صفحه ۲

باید تمام مشاجرات و تمام وجوه اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی موجود بین گروهها، سازمانها و احزاب کنار گذاشته شود و همه مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران، در جبهه متحد نبرد با دشمن مشترک امریکای جنایتکار زیر رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی رهبر انقلاب ایران، بسیج شوند. این ضرورت مبرم روز است.

### هنگام

نهال به ثمر میرسد که سنگها پرتاب میشوند  
تنت را پاره پاره میخوانند وطن را نفست را رایگان خاکت را مزارع پسر پشت سر نیزه و نفست را در قفس.  
در پیچه های رهائی را یکبارگی می بندند و تنها دروازه افتخار بر تو باز است ای وطن!

شایست را هنگام رسیده است: گذار ناگزیر سیاوش از آتش شکیب و شهادت دردناک حسین در کربلا.

آی بردگان نافرمان! به باز خوانی قصیده کبود شلاتها بر پیکرتان گروغی نیست، پیوندی! کزین گریز گاه تنگ عبور را یکتنه میتوان.

وطن، تن واحد شو وطن، وطن مجروح من به ایسان و اتحاد تهمتن شو که باران تیر در راه است.

سیاوش کسرابی ۱۹ فروردین ۱۳۵۹

در اهمیت تشخیص دوست از دشمن برای اداره صحیح کشور صفحه ۲

آزاد بخوانان رودزیا  
فیلمی علیه خلق زیمباووه در تهران صفحه ۴

که ملت ایران و تاریخ آینده آن از آن اغاضی نخواهد کرد»  
حزب توده ایران که به پیروی از مشی اصولی و انقلابی خود، و با درک مسئولیت سنگین خویش در برابر خلق و انقلاب، همواره از اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و از جبهه متحد خلق پشتیبانی کرده و میکند و تمام نیروی خود را در راه تحقق آن بکار برده و میبرد، از ره نمود رهبر انقلاب، امام خمینی، و از خواست شورای انقلاب برای اجتناب از اختلاف و تفرقه بخاطر بسیج یکپارچه خلق در برابر خطری عظیمی که از جانب امپریالیسم آمریکا و عمالش انقلاب ما را تهدید می کند، سیمانه و صادقانه استقبال می کند.

آری، خلق قهرمان ایران توانائی رفع این خطر را دارد، بشرط آنکه یکپارچه و چون تن واحد عمل کنند. باید تمام مشاجرات و تمام وجوه اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی موجود بین گروهها، سازمانها و احزاب کنار گذاشته شود و همه مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران، در جبهه متحد نبرد با دشمن مشترک - امریکای جنایتکار زیر رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، بسیج شوند. این ضرورت مبرم روز است. هر گامی، بجز دلیل و بهانه ای، از طرف عسکر، در راه تفرقه نیروهای راستین انقلابی برداشته شود، کمک به ضد انقلاب، کمک به امپریالیسم آمریکا است. احیاء وحدت کلمه، سلاح و نشان پیروزی است. با سلاح آبدیده و آزرده و وحدت عمل و قیام یکپارچه توده های میلیونی مردم، باید به جنگ عادلانه بر ضد امپریالیسم دشمنی آمریکا رفت و از راه دینار شکست مقتضای ساخته.

متکی به وحدت و یکپارچگی خلق و نیروهای سیاسی راستین انقلابی، بی درنگ باید به قطع تمام رشته های موجود وابستگی به امپریالیسم آمریکا

هم میمان! انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران وارد مرحله جدیدی شده است. امپریالیسم غدار آمریکا، با قطع رابطه سیاسی با ایران و با اعلام محاصره اقتصادی کشور ما، نقاب ریا از چهره کریه و ضد بشری خود برداشت. این جنایتکار چپاولگر بار دیگر نشان داد که دشمن اصلی انقلاب ما، خلق ما و کشور ما است. امپریالیسم آمریکا تهدید کرده است که اگر جمهوری اسلامی ایران تسلیم اراده او نکرده، به اقدامات جزائی دیگری دست خواهد زد. هم اکنون نیروی عظیمی از ناوگان جنگی آمریکا، مجبوز به سدها جنگنده بمب افکن، مسلح به موشکهای هوا به زمین در آبهای چپاولگر ایران، دریای عمان و خلیج فارس تمرکز یافته است. در برخی از کشورهای جنوب خلیج فارس یکبناهی از نیروی هواکنش سریع - امریکائی، مسلح به تانک و موشک و دیگر سلاحهای تهاجمی استقرار یافته اند. آمریکا شبکه ای از پایگاههای نظامی در کشورهای مجاور ایران، که زیر سلطه آمریکا هستند، در اختیار دارد. تجاوزات دولت بعثی عراق به مناطق مرزی ایران را باید تجاوز غیر مستقیم امریکادانست. عملیات توطئه گرانه سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) چه مستقیم و چه بوسیله خوددوختگانی از قماش محمد رضا پهلوی، زاهدی، بختیار، پالیزبان، اویسی و دیگران شدت گرفته است. در داخل کشور، ضد انقلاب یکدک سیاه و ... سازمانده «سواک» بر شدت فزاینده خرابکارانه خود افزوده است. در یک کلام، انقلاب در خطر است.

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، که با درایت و قاطعیت، همواره خطره دشمن اصلی انقلابگرما و خلق ما - امپریالیسم آمریکا - را یادآور شده اند، بکرات لزوم وحدت کلمه را نیز بر این مناسبت با این دشمن اصلی خاطر نشان ساخته اند. جای بسی خوشحوشی است که شورای انقلاب نیز در بیانیه خود ضمن توجه خاص به توطئه های شیطان بزرگ - امریکای متذکر شده است که:

شباهتهای ناگزیر هشدار به نیروهای راستین انقلابی  
در آستانه کودتای ۲۸ مرداد هم امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی و عمال آنها کوشیدند اکتار عمومی را از خطر اصلی متصرف کنند و متوجه خطر موهوم سازند صفحه ۳

انقلاب در خطر است. آرایاید نجات داد. امپریالیسم آمریکا - دشمن خبیله گری، غدار و جنایتکار انقلاب ما تصمیم به شکست انقلاب گرفته است. او را باید شکست داد. همه با هم در جبهه نبرد سر نوشت ساز علیه امپریالیسم آمریکا!

همه با هم در جبهه نبرد برای تأمین پیروزی نهائی انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی زمین عزیز و مستعد میمان ایران! با یکبارگانه، ما پیروز خواهیم شد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۱/۱۹

...ملت باید بطور کامل بسیج شوند و از شرف و موجودیت و کشور و انقلاب خود دفاع کنند. جناحهای سیاسی باید مسائل گروهی و اختلافات کوچک و بزرگ خود را فراموش کنند و توجه داشته باشند که هر حرکت فاسی از خودخواهی گروه گران ممکن است صرفی یک پارچه مردم را دچار قنشت و سرگردانی کند و این فاجعه ای است

ضد انقلاب ۷ خط لوله نفت را منفجر کرد صفحه ۶

کارگران و پیش نویس قانون تامین اجتماعی  
متکی به وحدت و یکپارچگی خلق و نیروهای سیاسی راستین انقلابی، بی درنگ باید به قطع تمام رشته های موجود وابستگی به امپریالیسم آمریکا

دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

# در اهمیت تشخیص دوست از دشمن برای اداره صحیح سیاست کشور

یکی از شرایط حیاتی پیروزی در مبارزه اجتماعی، اداره صحیح سیاست کشور و تشخیص درست از دشمن است. دشمن این تشخیص درست نباشد و دوست بجای دشمن و دشمن بجای دوست گذاشته شود، هدف گیری سیاسی بکلی غلط است و ناچاراً به فاجعه منتهی می‌گردد.

از خدمات بزرگ امام خمینی به انقلاب ایران آنست که از روز اول دشمن را بدستی تشخیص داد و گفته سلطنت استبدادی، دشمن مردم ایران است و باید برچیده شود. و سپس گفته امپریالیسم آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این رژیم را بر کشور تحمیل کرده، دشمن مردم ایران است و مردم ایران هم فریادی دارند باید بر سر این امپریالیسم بکشند. امام نه فقط بس از سقوط استبداد سلطنتی، امپریالیسم آمریکا را دشمنان دشمن مردم انقلاب، بلکه آنرا دشمن شماره یک و شیطان بزرگ خواند و انقلاب علیه آنرا انقلابی بزرگتر از انقلاب اول (علیه شاه) نامید.

این یکی از خصایص روشن خط امام است، که مردم پشیمانان است.

اما دستورات از طرف جبهه آزادی‌بخش ملی و برخی مطبوعات، که خود را پیرو خط امام می‌نامند، مطالب دیگری مطرح می‌شود. شیطان بزرگ در زمان آتایان روسی، و دانگلسان، و حزب توده ایران است و انقلابی که با شور و هیجان در ایران می‌گردد مگر دشمن می‌گردد، در زمینه‌های جنایات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا سخن نمی‌گویند، و آنست که چیزی بگویند، مجمل و بی‌رنگ و از روی بی‌نیلی و ناسجاری است. البته منظور از روس، در فرهنگ سیاسی آتایان همان اتحاد شوروی است. تاریخ روابط مست و مسالما ایران شوروی روشن است و میتوان با بررسی بی‌طرفانه این تاریخ دید که آیا مساله شمالی ایران را میتوان دشمن ایران شمرده

مثلاً با کودتای حوت ۱۳۹۹ سیدنیاع‌الدین - رضاخان کار عمل انقلابی سر ویس انگلستان، مانند ژنرال اپرستاید، ژنرال دسترول، مستر روبرت و امثال آنها بود یا کار «روسها»

یا مثلاً با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سابق کردن حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار دیکتاتوری محمدرضا شاه، کار عمل مساله مساله مانند ژنرال شوارتسکیف، کیم روزولت و جرج آلن بود یا کار «روسها»

آیا این «روس» بود که بی‌طرفی ایران را نقض کرد و کشور را راه پیمان‌های تجاوزگراانه مسدود کرد و «دشمن» دستتو کشید یا امپریالیسم آمریکا و انگلیس؟

آیا این «روس» بود که منابع نفتی ما را با آن شیوه دزدانه از زمان تمام عمل امتیاز دادرسی مدت‌ها سال غارت کرده و کماکان غارت می‌کند، یا اثراتل نفتی آمریکا، انگلیس و فرانسه؟

آیا این «روس» بود که ایران را (کودکی را که به پدری خود را حتی از او اسلحه تیرانداز کرده) تا امروز کشور ۷۰٪، پسروای، فقدان صنعت و کشاورزی مسالما مسالما با سرمایه‌داری بین‌المللی امپریالیست؟

آیا این لنین نبود که فرادادهای اسارت‌بار تزاری را از گردن و این ادعای شوروی نبود که جاری تبارز فاشیسم خرنووار را به ایران گرفت و این دولت شوروی نبود که برای ایجاد صنایع مادر در کشور ما دست به یک سلسله اقدامات وسیع زد؟

مسئله هم مطرح می‌گردد که امروز در کشور ما چیست؟ مسک کسب استقلال واقعی و تحکیم آن، کسب دموکراسی سیاسی و اقتصادی و تیل به پیشرفت همه جانبه نیست؟

آیا «روس» (اتحاد شوروی) دو یکس کشورهایی سوسیالیستی کمترین اعتراضی باین مطالب دارند و مگر آنها برعکس از وجود یک ایران نیرومند و خودکفا مستقل خوشحال نمی‌شوند؟

آیا حال که ما مستشاران آمریکایی را بیرون کرده‌ایم و ایران را دیگر نمی‌خواهیم به انبار اسلحه آمریکایی بدل سازیم و سایکس‌پیکو الکتریک و جاسوسی آمریکایی را از ایران برچیده‌ایم و می‌خواهیم پیوندهای وابستگی اقتصادی را پاره می‌کنیم، «روس» مسروفاً این اعمال خوشحال نمی‌شوند؟

و آیا به این اقدامات که مایه رضایت همسایه‌هاست، در جهت استقلال ما نیست؟ مگر همین «روس» مسروفاً نبود که در جریان انقلاب اخیر شورش‌ها در ایران به آمریکا اطلاع کرد و بر سرورداری ایران دخالت کند، نه انقلاب ایران اسد داخلی مردم ایران است؟

مگر بداند تری آمریکا از دانش سیاسی و نظامی

ما امیدواریم که آن نیروهای وفادار به انقلاب، که در تشخیص درست دشمن و دوست هنوز دچار اشتباهات، تاریخ دقیق و مستند (نه یکطرفه و ادعایی) دهه‌های اخیر کشور ما را پس وقت بنویسند و از آن عبرت‌های لازم را بیاموزند تا ادعا و پندار جانشین درک واقعیت ایران و جهان نشود، زیرا برنده پندار، بی‌هوای واقفیت، بجای دوری نخواهد بود.

**نام نویسی در حزب توده ایران**  
کارگزاران و دستمندان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت ابتکار ندارند، می‌توانند روزهای

جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۱۲ تا ۱۴ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، صلح غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانها نیز دفتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

بعد از ۲ ماه که از سیل خازمان بر انداز جنوب میگذرد:

## سیلز دگان خرمشهر: مار از یاد برده‌اند...

□ زمین‌های زراعتی زیر سیل مدفون شده و زار زمین □ ماه است سرگردانند  
□ اهالی جزیره مینو شها از ترس بالا آمدن آب به نوبت گشت می‌دهند



روستاییان سیل‌زده «حمام شرفی» در چادرها زندگی می‌کنند. آیا این کافیست؟

نیرو توان اینجا ماند، بالاخره باید وقت سراغ کاری. اما دیگر زراعت ممکن نیست. چیزی به پایان فصل گشت نمانده. مامیووریم اسال راهم با کارگری بنگرانیم و جبران خسارت را بکنیم. بی‌رحال اینجا ماندن هم بصره نیست. خرج دوشهر زیاد است. بهتر است بمانم به خودمان برگردیم.

به روستای اصلی آنها میرویم. «حمام شرفی» روستای بزرگی است که در حاشیه کارون واقع شده. باغ سالاری، شیخ (میرزا) سرنا، سلیمان و چندین روستای کوچک دیگر هم جزو حاشیه شرفی محسوب می‌شوند. هر کدام به نحوی سده دیده‌اند. چارهای که مارا به باغ سالاری ۱۷۱ شهروید) می‌رساند، با آب سیل شسته شده و قابل عبور و مرور نبود. قسمت زیادی از نخلستانها، که در آنها سیزیکاری وسیعی کاری می‌شده، زیر آب رفته بود. آب باران و آبی که از دوطرف چاه، شط بسوی ده روان شده بود، خانه‌های زیادی را محاصره کرده بود. دزیر نخلستانها بیخ شوره، برگهای پژمرده، گوجه و لوبیا سراز آب بیرون کشیده و زارمان عرب بجای بیلزین، از آب ماهی می‌گیرند، پسر سلمان را ز ده می‌بینیم می‌گویند:

«من در شرکت صنایع شیمیایی بازارگاد کار می‌کنم. اما پدرم اسال برای گشت خیلی زحمت کشیده بود. نخلهای کوچک و درختان زردآلو و صیفی‌کارها همه از زمین رفته. پدرم ۴۰ نخل برنج از کاشته بود، که هر کدام را ۱۵۰ تومان خریده بود. هه‌اش را آب خف کرد. بفریاض ضروری که به زار زمین خورد، وضع چاه هم خیلی خراب است. باهر بارندگی این چاه زیر آب میرود. بگویند اول از هه چاه مارا درست کنند، نخلها برای سیل بهی راحتر قرار بگیریم»

قسمت منجات هم کم از سایر روستاها ندارد. ظاهر در خود ده خبری از سیل نیست. چند گوسفند انباشته از خاک را در گوشه و کنار می‌بینیم، که محکم راههای ورود آب را پنداخته‌اند. با یکی از اهالی بر سر مزرعه‌اش می‌رویم. سدها مترادسیان ساقه‌های محکم رشاداب گندم طی می‌کنیم. سدها آشنای بیچیدن باد در میان ساقه‌های گندم گرض دانوازی می‌دهد. کم‌کم بجای می‌رسیم که سدها می‌کنند نصف وزرد می‌شوند و دیگر بجز اجزای چیزی نمی‌بیم و آبی که مراد را پوروشانده، آبی که با آب آبی‌گری می‌خورد، پاسر موسوی، زارع عرب، بیلس داد زمین فرو می‌کند و بر گورستان گندم‌زارش می‌نشیند رمی‌گوید:

«اسال باکلی خارج، سدها ۶۰ هزار تومان که دستمچی برای تراکتور و بیلر و کود دادیم، بکلی از زراعت برنسیب شدیم. اسال به‌داز چند سال دوباره شروع کرده بودیم به گشت و این شد نتیجه کارها. فقط توانستم خانه‌ها را حفظ کنم. حالا که سیل مزه مارا برنده، حداقل دولت برای اسال مایه‌اید چاره‌ای پیدا کند، یارای بدله، یا مسالکاتی حداقل توی همین یکماه غنوده یا خریشه‌های بکاریم. سلسلختن برای ساقه‌های بهد خیلی خوب است. اما اسال هم باید جبران خسارتها را بکنیم»

«جزیره» می‌زودیکر مناطقی است که با جریان سیل سده دیده است. جزیره مینو چند قسمت تقسیم می‌شود. چند ناحیه آن نچه رسسه ۶

تزیات به آماه پیش سیل گروه زیادی از دستمندان خوزستانی را بر خازمان کرد. از آن روز پید باهر بارندگی، شهر یادوستالی خاطر ویرانی دورو می‌شود. سیل در آغاز سال او بیشترین خسارت را نصیب معروفرین توده‌های خلق کرده است.

در اولین روزهای جاری شدن سیل، کم‌کم توری برای نجات جان مردم و مبارک کردن سیل انجام گرفت. به‌داز این کم‌کم توری خسارت دیدگان ماندند. باکوشی از مشکلات ویرانیها، برای دریافت وضع و حال آن، از چند سده و روستای آسیب دیده شروع می‌شود. از دیدن گرفتارم ابتدا بیسازگروهی از کیرتیبیان خرمشهر رفتیم. آنها در جریان دیدن گیهای سبزم می‌چیدند به تخلیه آلودگیهای خود شدند. مسکن فلی آنها تعدادی ساختمان بزرگ دولتی و خانه‌های شخصی است که بدستور دادگرا انقلاب مورد استفاده سیلزگان قرار گرفته است. خانه‌های قبلی آنها غیر قابل سکونت است و کف آنها از آب، خال خال شده. کف‌های مسجیت می‌کنند:

«خوسرم راه خانه‌های تو برده‌اند. من وشوهرم توی یکی از اتاقها اندامیم. بچه‌هایم نمیتوانند برگردند اینجا. کف اتاقها شسته‌اند. آبی را که خالی می‌کنیم، دوباره پر می‌شود. حالا اگر هم خشک شود و آب برگردد، سال دیگر همین‌آبی خواهد بود و همین گاسه»

زهر سنگوری، که در یکی از خانه‌های نوساز با شوهر و بچه‌هایش اقامت دارد، به درددل می‌نشیند:

«مارا روز اول به اینجا آوردند و یک اتاق بنا دادند. اولت خیلی ما سرگشتی می‌کردند. آتوقه و پوشاک میدادند اما حالا ما مانده‌ایم و خانه‌هایی که هر آن امکان ریزش دارد و نمی‌توانیم بر هیچ قسمی به آنها برگردیم. از اینطرف صاحب این خانه هم مرتب اینجا سرگشتی می‌کند و می‌گوید باید خانه‌ها را اجازه بدیم ترمیم یا تکتش را بدیم. خانه‌هایشان خشک شده بمانجا برگردند. اگر دولت برایمان فکر نمی‌کند، اعتراض کنید. به فرمانداری شکایت کنید. البته ما اینکار را نکرده‌ایم. پنداران به ما می‌گویند فعلاً همین‌جا باشیم اما زودتر باید تکلیف ماروشن بشود»

در گوشه‌های از شهر، در حاشیه شط بزرگ، سوله خالی که باره‌وارهای از شست‌ها محصور شده، تعدادی چادر نصب کرده‌اند. برای این چادرها خانوارهایی که از روستاهای اطراف بشرف آمده‌اند ساکن هستند. در چشهای اطراف گاو و گوسفندها به‌جرا روجه‌ها بیازی رجست‌خیز می‌شوند. مردها و زنها دزیر آفتاب به سحبت نشسته‌اند. پیش می‌رویم و در چشما شرکت می‌کنیم. پیر مردی به عربی سخن می‌گوید. ترجمه‌اش اینست:

«اسم من سلمان عربی‌نور است. مارا از خازان شرقی به اینجا آوردند. قبل از اینهم اتفاق افتاده بود که آب بالا بیاید و سیل راه بیافتد. اما هیچوقت آفتاب مانده‌گار نباشد. این بار هنوز به‌داز یکماه و نیم آب از مزارع ما خارج نشده، تمام گوجه‌کارهایمان را آب برد. اسال خیلی گشت کرده بودیم. از یونجه و لوبیا گرفته تا درختهای میوه. نبالهای زردآلو را خودم کاشتم. البته وقتی که مسال آمد، خنر خوب ما کمک کرد. اما نشت از آن»



روستاییان، در قصبه منجات در نزدیکی خرمشهر، بران نجات بقیه زمین‌های زراعتی خود با کوسه‌های شن سد ساخته‌اند

**با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و شکل در اتحادیه‌ها، باین راه میروند**









# پای در دلد

## کارگران اخراجی شرکت چکش

### کارگران معدن نمک محله از کمترین حقوق قانونی بی بهره اند



بعد از پیروزی انقلاب ایران، که امید رهایی کارگران و زحمتکشان را، از قید تسلط زورگویی و برده‌داری سرمایه - داران وابسته و زمینداران بزرگ، در دلها شعله‌ور ساخت. همه طاغوتیان و کارگران ریز و درشتان و در رأس آنها - شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا، آینده تاریکی را جلوی چشم خود دیده. آنها با تمام قدرت در ترمیم انقلاب و برپایی سوسیالیسم ناپذیرش میکوشند. آنها در دولت، ارگانهای اجرائی و تصمیم گیری و مؤسسات تولیدی و خدماتی موضع بسیار مبسوط را در دست دارند و نه تنها مانع از اجرای طرحهای انقلابی در جهت منافع زحمتکشان هستند، بلکه با توطئه‌های رنگارنگ که هر روز آشکارتر و بمرورتر میشود، سبب نارضامتی زحمتکشان پیروزه کارگران و دهقانان میگردد. اخراج کارگران و ایجاد بیکاری و رواج عدم امنیت زندگی و همچنین توجیه نکردن به خواست بر حق زحمتکشان و کشتن آنان به محسن و اعتصاب، و بدین ترتیب ایجاد جو متشنج، تحریک و هرج و مرج از توطئه‌های دامنه‌دار سرمایه‌داران وابسته و مالکین بزرگ و طاغوتیان است.

مدن نمک محله در ۴۰ کیلومتری جنوب سمنان قرار دارد. از این معدن روزانه حداقل ۱۰۰ تن نمک استخراج میشود. در این معدن ۶۵ نفر کارگر کار میکنند. البته این تعداد ثابت نیست، زمانی تعداد کارگران به ده نفر و زمانی هم به چهل نفر بالغ میشود. در فصل تابستان معمولاً تعداد زیادی از کارگران به گرمای شدید در آنجا کار نمی‌کنند. دستمزد روزانه کارگران ۵۰۰ ریال، یعنی کمتر از حداقل دستمزد قانونی است و آنها از کمی دستمزد شکایت دارند. کارگران میگویند: «این مبلغ ناچیز که به عنوان دستمزد به ما پرداخت میشود، حتی تکافی خرید یک کیلوگرم نان هم نمیکند» بیشتر کارگران از شهرهای آذربایجان، مازندران و سیستان راهی آن دیار شده‌اند. آنها در یک خانه کوچک سکنی گزیده‌اند و در واقع فقط جایی برای خواب دارند. محل زندگی آنها بسیار وقت‌انگیز است و از بهداشت و امنیت در محیط کار و محل زندگی محروم هستند. اگر کسی مریض شود، باید آنقدر درد را تحمل کند تا مگر صافاً اتوبیولی پیدا شود و آوار به شهر برساند. کارگران میگویند: «ما سرویس نداریم تا به شهر برویم و مایحتاج زندگی خود را تأمین کنیم. حق یقه و حق بازنشستگی نداریم و از کمترین حقوق اولیه کار محروم هستیم. از هیچ یک از روزهایی تعطیل نمی‌توانیم استفاده کنیم. حق عید تویز هم به ما اجازه داده نشد تا دست از کار بکشیم. روزهایی که باید کار کنیم.

حقوق روزهای جمعه به کارگرانی پرداخت نمیشود که حداقل سه ماه متوالی در روزهای جمعه کار کرده باشند. غیر انصورت دیگری از بابت جمعه به آنها پرداخت نمیشود. در این معدن از کارگرانی که ۱۳-۱۴ ساله تا کارگر ۵۸ ساله، کاری کنند. کارگران اصلاً تأمین جانی ندارند. خطر ریزش سنگ و خاک ناگهانی سلامت کارگران را به مخاطره می‌اندازد. بطوری که چند سال پیش یکی از کارگران بجان خود را از دست داد. چند تن از کارگران دستهای پینه‌بسته و مجروح خود را نشان ندهد می‌گویند: «از صاحب معدن تقاضا کردیم که دستکش برای ما بخرد، ولی او بی توجهی نکرده است. کارگران میگویند: «کارفرما ما را تهدید کرده و گفته اگر کوچکترین اعتراضی بکنیم، ما را اخراج خواهد کرد». در میان انبوه نارسایی‌های موجود، اهم خواسته‌های کلی کارگران عبارتند از: ۱- ایجاد محلی نزدیک کارخانه جهت سکونت کارگران، ۲- ساختن یک دستگاه حمام، که کارگران پس از خاتمه کار از دوش آن استفاده کنند، ۳- دایر کردن سرویس رفت و آمد، ۴- ایجاد مرکز برق جهت روشنایی منازل، ۵- تأمین غذای مورد احتیاج کارگران وسیله کارفرما.

### به شکایات کارگران کارخانه مفلول کشی یزد رسیدگی کنید

کارخانه مفلول کشی در ۴/۵ کیلومتری شمال یزد (خیابان یاسمن) قرار گرفته و سیم مفلول تولید می‌کند. اسفندماه گذشته میلانی بابت سود ویژه به کارگران پرداخت شد که منطبق با هیچ معیار قانونی نبود. کارگران که انتظار نداشتند چنین مبلغ ناچیزی به عنوان سود ویژه به آنان پرداخت شود، تصمیم به ترک کارگاه و مراجعه به اداره کار گرفتند. یکی از کارگران دیگران را از اینجای کار بازداشت و بعد از مشورت و توافق آراء تصمیم بر آن شد که یک نفر به عنوان نماینده کارگران به اداره کار برود و علت پرداخت سود ویژه را از طرف دیگر «ماون اداره کار در زمینه کار خود و از طرف تقسیم و دستورات عمل سود ویژه آگاهی نداشتند. به حال از طرف ایشان دوزخ از مسئولین به کارخانه رفتند و با کارگران گفتگو برداشتند. شکوه و اعتراض کارگران از هر جایی بلند بود. یکی از کارگران می‌گفت: «سود ویژه به هیچ پایه و اساس محاسبه نشده است. مدت مدیدی است که کار می‌کنیم و هنوز بیمه نشده‌ایم. با کارکنان و طاقت فرسا، لباس کار و وسائل اینها داده نمی‌شود. نماینده شورا و سندیکا نداریم. دوستان کارگری ما را به بهانه‌های مختلف بیرون می‌اندازند و چند نفر از دوستان کارگران را که به اداره کار و مناسکی دیگران برای دست یافتن به حقوق حقه‌شان همت گمارده بودند، از کارخانه اخراج کرده‌اند. حقوق و مزایای ما به بهانه‌های مختلف کسر می‌کنند و هیچ اعتراضی هم نمی‌توانیم بکنیم. زیرا اگر حرفی بزنیم، اخراج می‌شویم. ما حتی صبحانه را

هم باید سرپا و ایستاده بخوریم و دیده، شده است که در حین خوردن صبحانه، کارفرما در کوری راه باز داشته و مانع صبحانه خوردن او شده است. در یک کارفرما از طرف کارگران را زهر نثار قرار می‌دهد و اختناق در محیط کار پدید می‌آید. بین کارگران تفرقه انداخته و آنان را با یکدیگر بیگانه می‌کند، و حتی دستور کار و دستوراد آموزشی و دیگر اعلامیه‌ها را که از طرف اداره کار می‌آید، نصب نمی‌کند زیرا که از آنجا کارگران وحشت دارند. در اینجا اداره کار هم شریک جرم است، زیرا کارگاه را کنترل نمی‌کند و کسی را برای بازبینی به کارخانه نمی‌فرستد. فرستادگان اداره کار پس از ورود به کارخانه سراغ کارفرما را گرفتند، ولی کارفرما در جانی «مخفی» بود و درخواست از کارخانه برود که بوسیله یکی از کارگران به مسئولین می‌رساند. کارفرما چون جوابی نداشت که در حضور کارگران اظهار کند، گفت: بعضی از این کارگران مخرب و کمونیست هستند و نمی‌شود و به حرفشان گوش داد! در اینجا به کارگران قول داده شده که روز بعد از طرف اداره کار به شکایت آنها رسیدگی شود. ولی هیچ ترتیب‌آوری داده نشد، لازم به تذکر است که مسئول رسیدگی به شکایات هم به مشکلات کارگران رسیدگی نمی‌کند و با وضع کنونی بیم آن می‌رود که برخورد های جدی، که امکان حل ریشه‌ای مسائل را به تأخیر درمی‌انگیزد می‌اندازد، وجود آید. بر مسئولین وزارت کار است که با شناخت دقیق مشکلات موجود، تمرکز و دست اندازی‌های ضد انقلاب را سد کنند.

### گزارش از کارخانه چرم پوست خراسان: امنیت جانی و سلامتی کارگران در حین کار باید کاملاً تأمین شود

صنایع چرم و پوست خراسان (کارخانه چرم) در کیلومتری چهارم جاده مشهد - قوچان قرار دارد. این کارخانه ۲۵۰ کارگر دارد، که از این تعداد ۲۲ نفر زن هستند. سهام کارخانه قبلاً به شاه مخلوع و چند سرمایه‌دار دیگر تعلق داشت ولی بعد از انقلاب ملی شد. این کارخانه چرم کفش ملی تهران را تأمین می‌کند. پوست‌های که در این واحد تولید می‌شوند، از جمله مرغوب‌ترین پوست‌های ایران هستند. پیش از انقلاب دستمزد ماهانه کارگران کمتر از ده هزار ریال بود، ولی در حال حاضر دستمزد آنها به طور یکسان در حدود ۲۲۰۰۰ ریال است. کارگران بیشتر از چندان، سید آباد و گلستان و نستان می‌آیند و کارخانه برای آنان سرویس رفت و آمد فراهم آورده است. کارگران از دیدن دستمزد سال پیش بیمه شدند. از آن زمان گذشته نیز کلاه‌های یکبار مصرفی برای کارگران دایر شده است و در فاصله ساعات کار (۷ صبح الی ۴ بعد از ظهر)، جمعا مدتی معادل ۱۵ ساعت به غذا و کلاس آموزشی کارگران اختصاص داده. پیش از حقتاد درصد کارگران بی‌سوادند و فقط مسدودی

اهل ده چیتاب یاسوج است. یک خانواده ۱۰ نفری را اداره میکند. به علت وضع بد کشاورزی و بهره‌داری محدود آن و همچنین وجود مالک که نصف حاصل گندم او را که به صورت دیم وبا زحمت و پشت زاید میکشند، تصاحب میکرد، برای پیدا کردن کار آرزو شمس شده است. مدت چهار ماه است که در این شرکت کار میکنند، روزی ۵۷۷ تومان حقوق می‌گیرند، که با این گرانی سرسام‌آور هزینه زندگی، با محدودیت و فشاری که برخورد حاصل میکند، می‌توانست گروه بسیار کوچکی از خانواده را از فقر و انداره کتم، در این مدت هر ماهه‌های کارگران در اینجا (شماره به اطلاق کلی) که تنها چیزی شبیه اطفال برای زندگی بود زندگی میکنند. راستش ضد انقلابی سرمایه‌دارانی نظیر انتظار ندارم که استبدادی روزگار کار جمهوری اسلامی از منافع جمهوری اسلامی زندگی زحمتکشان سرمایه داران دفع کنند و بر اخراج ما بدون هیچگونه مزایا و بهره‌کشان باشند»

## اخبار کارگری

### کارخانه اتومبیل سازی سایپا هشتی از خروار ستم ادبیر پالیسم فرانسه قابل توجه آنها که حساب فرانسه یا اروپای غربی را از امپریالیسم آمریکا جدا می‌کنند!

کارخانه اتومبیل سازی (سایپا)، که اخیراً ملی اعلام شده است، در مجموع کارکنان ۲۵۰۰ نفری خود ۲۲۰۰ نفر کارگر و ۳۰۰ نفر کارمند دارد. این کارخانه مونتاژ کار و وابسته به فرانسه است. سهامدار عمده آن فرانسوی‌ها به ریاست آلفرد آینه رسه‌اند. ایران آنرا وابستگان به رژیم پهلوی تشکیل میدادند. در دوران انقلاب، مدیر عامل کارخانه پس از انتقال قسمت اعظم سرمایه کارخانه به فرانسه، فراری شد. تولید کارخانه، اتومبیل‌های «ژیان» و «رنو» است. تولید این کارخانه از ۷۰ دستگاه در روز (قبل از انقلاب به ۳۵ تا ۴۵ دستگاه (بعد از انقلاب) تقلیل پیدا کرده است. این کارخانه فاقد سندیکا است، ولی یک شورا دارد و ۱۵۰ نفر از نمایندگان کارگران در این شورا عضویت دارند. یکی از شرایط عضویت در شورا، تأیید نمایندگان بوسیله مدیریت کارخانه است. نماینده کارگران در شورا، قبلاً هم در رژیم پهلوی نمایندگان کارگران را بر عهده داشته و مورد تأیید کابین کارفرما بوده است. در آن زمان این شخص، کارگران زیادی را خود رأساً استخدام می‌کرد، تا طرفداران دائمی او باشند. اگر کسی به این شخص اعتراض می‌کرد شدیداً مورد بازخواست قرار می‌گرفت این شخص توانسته است همزمان دست قبلی خود پانچ بماند، ولی بیشتر کارگران با بدبینی به این نماینده نگاه می‌کنند و قبولش ندارند. کارکنان کارخانه «سایپا» سابقه مبارزاتی نیز دارند و در جریان اعتصابات پیش از انقلاب، این کارخانه از نخستین واحدهای تولیدی بوده که کارکنان آن یکپارچه اعتصاب کردند. این اعتصاب، که برای رژیم سابق خیلی گران تمام میشد، به اضافه حقوقی معادل ۳۰ درصد برای کارکنان منجر شد. حقوق متوسط کارگران حدود ۲۰۰۰۰ ریال و کارمندان ۳۲۰۰۰ ریال است. در دوران رژیم سابق، سرمایه‌داران فرانسوی و ایرانیان وابسته، کارگران را وحشیانه استبداد می‌کردند. چون یک اتومبیل زیان برای کارخانه بین ۷ تا ۸ هزار تومان تمام میشد، در صورتیکه همین اتومبیل در بازار ایران بین ۲۳ تا ۲۴ هزار تومان (منهای اضافه قیمتی که دلالت‌ها و واسطه‌ها به خریدار تحویل میکردند) بفروش می‌رسید. از همه مهمتر قرارداد فروش لوازم یکدیگر بود که جدا از قرارداد مواد اولیه مونتاژ کارخانه بود. سرمایه‌داران فرانسوی بابت فروش لوازم یکدیگر به ایران هم با هم می‌پشتازان اتومبیل سود می‌بردند. بطور مثال، اگر یک ماشین زیان با وسائل لوازم یکدیگر می‌فروخت، حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تومان برای خریدار ایرانی تمام میشد. این نشان‌دهنده غارت و چپاول سرمایه‌داران فرانسوی است که علاوه بر سود کارخانه، مبلغی هم از فروش لوازم یکدیگر به جیب می‌زدند. ولی در این امر این سود کلان، فقط ۲/۳ آن کارگران تعلق می‌گرفت و تازه با هزار دوزخ کلک مقدار ناچیزی از آن را به کارگران میدادند! در حالی که گذشت، سودی که به کارگران تعلق گرفت از سنوات قبل نیز کمتر بود. کارگران می‌گویند، با اخراج عمده‌ای از افراد ستم‌ها حقوق کلان، قاعده‌ای سودی سودی به آنها تعلق گرفته، ولی برخلاف انتظار کمتر شده است. کارگران با ذکر ادعای کمیته، به اخراجی‌های طاغوتی «مجموعاً ۳۲۲ هزار تومان حق حساب داده شده، در صورتی که به استخدامشونده‌گان فقط مبلغ ۱۳۶ هزار تومان تعلق گرفته است. مهمتر از همه اینکه بجای مساعده اموالشان مزایایی هم به آنها پرداخت شده است. در صورتیکه یک کارگر، وقتی به علت گرفتاری خانوادگی مرخصی بدون حقوق می‌گیرد، علاوه بر اینکه حقوق ایام مرخصی دریافت نمی‌کند، سودی هم با تعلق نتواند گرفت.

کارگران از مدیریت کارخانه خواسته‌اند که هر چه زودتر به خواسته‌های قانونی آنها توجه کند، تا در این میان بهانه‌های بدست ضد انقلاب داده نشود. (بیشتر سرکارگها) دوره ابتدایی راه‌پایان رسانده‌اند، در کارخانه یک شرکت تعاونی صرف‌تاسیس شده، که کارگران بعضی از کالاهای مصرفی خود را به کمک آن تأمین می‌کنند. چندی پیش سرانرس بی توجهی مسئولین کارخانه و اصرار آنها دایر بر کار با دستگاه بوس، که خراب بوده و عملی نمی‌شود، کارگران را مجبور کرد که با دستگاه کار می‌کردند، دست کارگر از ناحیه میخ زنی دستگاه، رفت و ناگزیر به عنوان «مالجه» سنانگشت دست او را قطع کردند! این کارگر متعلق است و در فرزند دارد و نگران آن است که کار خود را از دست بدهد، در حالی که این حادثه در حدی خود فاجده است. زیرا در حالیکه جان و سلامتی کارگران هر لحظه در معرض تهدید جدی است. چاره‌ای برای آن اندیشیده نمی‌شود. واقعیت این است که دستگاه‌ها باید به وسایل ایمنی مجهز باشند و کارگران با آموزش لازم به کارگشای شوند و دستگاه‌ها بطور منظم و از هر جهت کنترل شوند، تا تولید به قیمت ناقص‌الشرودن کارگران انجام نشود. در رابطه با پاکسازی نیز فعال برخورد نشده است، زیرا مسئول حفاظت کارخانه در دوره رژیم سابق، که یک سرهنک باز نشسته بود، همچنان مشغول کار است.

## تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

